

چکیده.....	۳
مقدمه.....	۴
بانکداری اسلامی	۵
اصول کلیدی بانکداری اسلامی.....	۵
ابزارهای مالی اسلامی.....	۷
ویژگی های کلیدی بانکداری اسلامی.....	۱۰
بانکداری بدون ربا.....	۱۱
رابطه دولت و بانکهای دولتی عدم تحقق ربا	۱۲
حکمتهای حرمت ربا.....	۱۲
حکم شرعی در نظام بانکداری اسلامی	۱۳
تعیین سود در بانکداری بدون ربا.....	۱۴
اوراق قرضه دولتی.....	۱۲
عرضه پول و نرخ بهره بانکداری ربوی.....	۱۴
در بانکداری اسلامی بدون ربا.....	۱۵
اختیارات دولت اسلامی.....	۱۶
تعیین نرخ ذخیره قانونی بانکداری ربوی.....	۱۷
تعیین نرخ ذخیره قانونی بانکداری اسلامی بدون ربا.....	۱۷

- ۱۸.....تعیین نسبت نقدینگی
- ۱۸.....کنترل کیفی اعتبارات
- ۱۹.....بانکداری بدون ربا "موانع و چالش ها"
- ۲۰.....رویکرد بانکداری بدون ربا
- ۲۱.....رویکرد بانکداری اسلامی
- ۲۱.....واقعیت نظام بانکداری عرفی
- ۲۲.....حذف ربا تنها یک شرط بانکداری اسلامی
- ۲۳.....۲۳ سال بانکداری دولتی و بدون ربا
- ۲۶.....منابع

چکیده:

ربا در دین مبین اسلام و سایر ادیان آسمانی تحریم شده و در آیات و روایات متعددی، رباخواری تقبیح شده و وعده عذاب به رباخواران داده شده است. سیستم بانکداری کشور در قبل از انقلاب بر اساس وام دهی با نرخ سود ثابت و بصورت ربوی بود.

با پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، یکی از آرمانهای مردم کشور در ارتباط با انجام اصلاحات در سیستم بانکی و اسلامی کردن بانکها و حذف ربا از معاملات بانکی با ملی شدن بانکها و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا تحقق یافت و بانکها بموجب این قانون که از ابتدای سال ۱۳۶۳ به اجرا گذاشته شد مکلف شدند تمام قرارداد های اعطای تسهیلات خود را بر مبنای عقود اسلامی تعریف شده، تنظیم نمایند.

اهدافی که در قانون بانکداری بدون ربا در ایران، برای نظام بانکی کشور در نظر گرفته شده است، که در رأس این اهداف حذف ربا از سیستم بانکی کشور بوده.

برای نزدیک تر شدن به اهداف بانکداری بدون ربا موارد زیر پیشنهاد می شود:

- ۱- تمرکز بر روی درآمدهای غیر تسهیلاتی
- ۲- تنوع عقود و تسهیلات و طراحی عقود کارآمدتر
- ۳- آگاه سازی مشتریان بانکها در خصوص معاملات صحیح و غیر ربوی
- ۴- اجرای واقعی عقود مشارکتی و قبول زیان از سوی بانک
- ۵- ایجاد کارگروه های بانکداری بدون ربا در مدیریتهای استانی بانکها و معین نمودن افرادی در شعب برای پیاده سازی اهداف و فرهنگ سازی
- ۶- جایگزینی سیستم های جدید تنبیهی برای مطالبات موعده گذشته بجای سیستم فعلی اخذ جریمه
- ۷- کارآمدتر کردن سیستم نظارت بر عملیات تعهدی در کل سیستم بانکی
- ۸- بررسی و بازبینی ترکیب فعلی عقود اسلامی (عقود مشارکتی و مبادله ای)
- ۹- بازنگری و تغییر در روش محاسبه سود دوران ساختمان
- ۱۰- ایجاد انگیزه در کارکنان سیستم بانکی کشور برای ترغیب شدن به اجرای بهتر و دقیق بانکداری بدون ربا
- ۱۱- افزایش سهم سرمایه گذاری مستقیم بانکها

عدم پایبندی به قانون بانکداری بدون ربا، و در نتیجه صوری بودن بسیاری از معاملات، سبب شده است که برداشت عمومی نسبت به عملکرد نظام بانکی در جهت حذف ربا از سیستم بانکی کشور رضایت بخش نبوده، در نتیجه نظام بانکی نتوانسته باشد به هدف مورد نظر در قانون دست یابد.

واقعیت این است که مهمترین رویکرد یا رویکرد غالب و رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران رویکرد "بانکداری بدون ربا" بوده است بر این اساس می توان گفت که تاکنون جهت گیری قوانین بانکداری در ایران و رویه ها و مقررات تعیین شده براساس موازین بانکداری اسلامی نبوده است. ایده "بانکداری بدون ربا" در واقع به معنی این است که واقعیت بانکداری متعارف، امری پذیرفته و قابل قبول و دارای آثار مطلوبی در جامعه است اما از آنجائی که این نظام براساس نظام حقوقی مبتنی بر ربا پایه گذاری گردیده، لازم است ربا را از روابط حقوقی حاکم بر عملیات بانکداری حذف کنیم.

این رویکرد اول بار توسط مرحوم شهید آیت ... محمد باقر صدر در کتاب "البنک اللاربوی فی الاسلام" مطرح گردیده و اول بار در نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا به اجراء در آمده است. بسیاری از صاحب نظران ذی نفوذ کشور معتقدند بانکداران باید به آنچه صحیح می دانند عمل کنند. چنانچه در برخی موارد شبهه ربا وجود داشته باشد از سوی علمای اسلام تذکر لازم داده خواهد شد.

در مقابل، چنانچه در چارچوب نظام اسلامی و بر پایه موازین اقتصاد اسلامی بخواهیم نظام بانکداری ایجاد کنیم، مسأله به این راحتی نیست و لذا لازم است همه اجزا و ارکان و ساز و کارهای آن و همه روابط و تصمیم گیری های مرتبط، براساس اصول و موازین اسلام طراحی و عملیاتی شود. به طور واضح، بر اساس این رویکرد، مشکلات نظام بانکداری عرفی در مسئله ربا منحصر نیست بلکه ما مسلمانان وظیفه داریم کلیه عملیات مالی و بانکی خود را براساس حذف ربا، حذف غرر، حذف غبن و حذف ظلم استوار کنیم. لذا رویکرد مهم در بانکداری اسلامی بر این ایده استوار است که تنظیم روابط متقابل و تعیین میزان برخورداری هریک از سپرده گذاران و سهامداران بر مبنای حق و عدل تنظیم می گردد

چنانچه به نحو کارشناسی و دقیق به بررسی ماهیت نظام بانکداری عرفی بپردازیم، می توان این فرضیه را مطرح ساخت و اثبات نمود که اساس نظام بانکداری عرفی بر پایه حاکمیت نرخ بهره قراردادی استوار است و قیمت پول یا نرخ بهره بر اساس عرضه و تقاضای آن در بازار پول و محاسبه هزینه فرصت آن به طور برونزا و یا درونزا تعیین می گردد.

تجربه اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نیز حاکی از آن است که عملیات بانکداری بدون ربا چندان به تغییر ساختار و ماهیت تصمیم گیری منجر نشده است. امروزه چنانچه در محافل و جلسات بین بانکی حضور یابیم، بسیاری از کارشناسان آگاه و خبره این نظام بر صوری بودن عملیات تأکید دارند. با اندک بررسی و تحقیق در ماهیت قراردادهای مشارکتی و مبادله ای انجام شده در بانکهای کشور می توان به حاکمیت نرخ های برونزای تسهیلات و سپرده ها اذعان نمود.

با توجه به سه بحث فوق شایسته است رویکرد اصلی طرح تحول بانکی از جهت انتخاب دو رویکرد بانکداری بدون ربا و یا بانکداری اسلامی مشخص شود. با انتخاب این دو رویکرد زمینه برای بحث های دیگر از جهت قوانین و مقررات و ساختارهای بانکداری و نظارت روش تر خواهد گشت.

چنانچه رویکرد بانکداری اسلامی مورد توافق باشد در آن صورت بر اساس اصول، مفاهیم، معیارها و قواعد کاربردی بانکداری اسلامی لازم است طرحی نو در انداخته شود. البته لازم به تأکید است، با این فرض، تحول ساختاری در رویه های نظام بانکی، نحوه تجهیز و تخصیص منابع، نوع فعالیت بانکها، ساختار رفتاری و سازمانی بانکها و نهادهای تأمین مالی، کیفیت صورتهای مالی و نحوه محاسبه هزینه ها و سود تغییرات ماهوی اساسی انجام پذیرد.

بانکداری اسلامی

نخستین بانک های کوچک بدون بهره در سال ۱۹۶۳ در مصر به وجود آمدند که به خاطر ترس از واکنش منفی و قهرآمیز دولتمردان لایبیک مصر در آن زمان، اسلامی بودنشان را علنی نمی کردند. در این بانک ها، نه به سپرده گذاران و سرمایه گذاران بهره ای پرداخت می شد و نه این که از استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی بهره ای دریافت می شد. بخش عمده فعالیت این بانک ها، در حوزه هایی چون تجارت و صنعت متمرکز شده بود. با اینهمه، بخشی از سود و منفعت حاصل از به کارگیری سرمایه سپرده گذاران در فعالیت های تجاری و صنعتی، به آنها پرداخت می شد و در نتیجه، کارکرد این بانک ها، بیشتر شبیه موسسات پس انداز و وام بود تا بانک های تجاری.

این روند ادامه داشت تا سال ۱۹۷۱ که بانک نصر، به عنوان یک بانک تجاری بدون ربا در مصر ایجاد شد، البته این بانک نیز به علل سیاسی از اعلام «اسلامی بودن» خود اجتناب می کرد.

اما در سال ۱۹۷۴، بانک توسعه اسلامی (ISLAMIC DEVELOPMENT BANK – IDB) به عنوان یک بانک فراملی و بین دولتی شروع به فعالیت نمود. هدف اصلی از تاسیس این بانک، فراهم آوردن سرمایه های کافی برای اجرای پروژه های توسعه ای در کشورهای ضعیفتر و فقیرتر اسلامی بود. IDB، خدمات مالی اش را براساس دریافت کارمزد یا شهریه و اصل تسهیم در سود ارایه می داد و در نتیجه، از هرگونه بهره مبرا بود.

سپس به تدریج، در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، بانک های اسلامی شروع به فعالیت نمودند، به نحوی که در اواخر دهه ۱۹۷۰، بانک هایی چون بانک اسلامی دبی در امارات، بانک اسلامی فیصل در سودان، فیصل بانک در مصر و بانک اسلامی بحرین در بحرین، پا به عرصه وجود گذاشتند.

علاوه بر خاورمیانه، در مالزی، فیلیپین و هند نیز بانک های اسلامی گسترش یافتند. سپس دامنه فعالیت بانک ها و موسسات مالی اسلامی به اروپا نیز رسید و در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بانک ها و موسسات مالی اسلامی کوچکی در لوکزامبورگ، سوییس، دانمارک و حتی آفریقای جنوبی و استرالیا نیز مشغول به کار شدند. برخی از بانک های سنتی عظیم مانند HSBC نیز طی سالیان اخیر برخی از شعب منتخب خود را به ارایه خدمات بانکی اسلامی اختصاص داده اند و بدین وسیله توانسته اند توجه بسیاری از مشتریان مسلمان در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را به خود جلب کنند.

اصول کلیدی بانکداری اسلامی

ویژگی اصلی و کلیدی بانکداری اسلامی، فقدان بهره در آن است، با این حال، ویژگی های اجتماعی و اخلاقی دیگری نیز از برای این سیستم تعریف شده است که ریشه در اسلام «ناب و خالص» دارد، از جمله تاکید بسیاری بر توزیع عادلانه تر درآمد و ثروت و خودداری از ورود به حیطه ها و عملیات نامشروع و نامطلوب.

برخی از کارشناسان بر این اعتقادند که ممنوعیت ربا در بانکداری اسلامی، به نوعی شبیه همان قوانین ضدنزول خواری در نظام های مالیات مدار غربی و یا مقررات محدود کننده دریافت و پرداخت بهره اضافی در برخی کشورهاست. به عبارت بهتر،

تفاوت بانکداری اسلامی با سایر سیستم های بانکی، در ممنوعیت فعالیت واسطه گری مالی و طلب بهره کردن و نزول خواری است.

در بانکداری اسلامی، «خالص»، بین بهره وضع شده بر سرمایه گذاری های منفعلانه مانند سرمایه گذاری در حوزه اوراق قرضه و سپرده گذاری در بانک از یک سو، و بهره وضع شده بر سرمایه گذاری های فعال، از جمله وام های صنعتی و مولد، تفاوت و تمایز وجود دارد. اما امروزه، به دلایل عملی، تفاوت چندانی میان شکل ها و منابع مختلف بهره در نظر گرفته نمی شود. در برخی از مکاتب بانکداری اسلامی نیز همه انواع بهره صرفنظر از خاستگاه و خاصیت آنها حرام دانسته می شوند.

یکی از ابعاد بانکداری اسلامی که هم باعث آسوده شدن خیال بانکداران غربی می شود و هم خواب آنها را آشفته می سازد، این است که قرآن، میان بهره و تجارت، تفاوت قایل شده است و از مسلمانان خواسته است تا فقط مبلغی را که به دیگران قرض داده اند، از آنها طلب کنند و نه مبلغی بیش از آن را و این امر نیز فقط باید زمانی روی دهد که فرد قرض گیرنده، توانایی بازپرداخت قرض خود را داشته باشد. نکته جالبتر آن که وجود همین تمایز بین بهره و تجارت، موجب شده است تا ابزارها و محصولات مالی اسلامی متعدد و متنوعی پا به عرصه وجود بگذارند، از جمله پرداخت های معوقه یا همان فروش اقساطی، تخفیف پرداخت زودتر از موعد، کمیسیون های تامین مالی تجارت و معاملات اجاره گونه که همگی با نظام های بانکی غربی همخوانی دارند و در ترانامه های بانکی کشورهای غربی نیز مشاهده می شوند.

با اینهمه، مقید کردن «بازپرداخت» به «توانایی پرداخت» خاصیتی مبهم و ناخوشایند به این الگو میدهد، چون که در این مدل، معلوم نیست که معنای «توانایی از پرداخت» چیست. سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیا فردی که نمی تواند قروض خود را بپردازد، می تواند به تجارت و کار و کسب خود ادامه دهد؟

در ایران، که نظام بانکی اسلامی در آن جریان دارد، پیاده شدن الگوهای بانکداری اسلامی در قسمت دارایی های بانکی آهسته تر و کندتر از اجرای این الگوها در قسمت سپرده ها بوده است. در این کشور، معمولاً فقط نیمی از منابع موجود در بخش خصوصی مورد استفاده قرار می گیرد که آن هم عمدتاً به صورت تسهیلات کوتاه مدت و محدودی چون معاملات تجاری و بازرگانی می باشد.

در پاکستان که دارای نظام بانکی دوگانه است نیز تمرکز زیادی بر استفاده از منابع بانکی برای کار و کسب کوتاه مدت و نه تامین مالی بلندمدت پروژه شده و می شود.

یکی از دلایل اصلی کندی پیاده شدن اصول اسلامی در بخش دارایی های بانکی، برمی گردد به فقدان یا کمبود نیروهای آموزش دیده و مجرب در حوزه بانکداری اسلامی و در نتیجه، هم اکنون شاهدیم که در بسیاری از موارد، وام ها و تسهیلات بانکی اسلامی، به مراتب پرمخاطره تر و ریسک پذیرتر از وام های با بهره سنتی و غربی می باشند. البته باید دانست که این مخاطرات، به اصل اسلامی «نابردن رنج، گنج میسر نمی شود» بر می گردند و اجتناب ناپذیر می باشند.

دلایل اقتصادی و ذهنی متعددی برای ممنوعیت بهره در اسلام وجود دارد: برخی از کارشناسان و صاحب نظران معتقدند که وجود یک هزینه ثابت تولید، به مثابه «ترمزی برای اشتغال» عمل می کند و از سویی دیگر، بحران های پولی هولناکی را پدید می آورد. برخی دیگر نیز بر این اعتقادند که گرفتن بهره در قبال پرداخت وام، به نوعی «استثمار و بهره کشی از دیگران برای سود شخصی» می باشد. ولی باید دانست که بهره، فقط یکی از راه های استثمار نیروی کار می باشد و نه تنها راه آن.

از سویی دیگر، مساله کاهش قدرت خرید پول را نیز باید وارد این معامله کرد و فاکتور تورم را نیز نایستی نادیده گرفت. در اسلام، هزینه سرمایه به عنوان یک نوع « هزینه تولید» در نظر گرفته می شود و در نتیجه، اصل «تسهیم در سود و زیان» آن هم با یک نسبت از پیش تعیین شده در اسلام پذیرفته شده است.

در مقابل هستند نظریه پردازان مسلمانی که این نسبت از پیش تعیین شده را حرام می دانند و معتقدند که نرخ برگشتی سرمایه در بانکداری اسلامی، متغیر و منوط به میزان سود حاصل از سرمایه گذاری است. در مورد بازپرداخت وام های بانکی نیز باید گفت که میزان بهره پرداختی وام گیرنده به بانک، بستگی به سود حاصل از به کارگیری آن سرمایه دارد و حتی ممکن است در صورت ناموفق بودن آن سرمایه گذاران، در حد صفر باشد. علاوه بر این، احتمال عدم بازپرداخت به موقع اصل وام نیز از سوی وام گیرنده وجود دارد که با توجه به تاکید اسلام بر توانایی بازپرداخت این مساله توجیه پذیر است.

ابزارهای مالی اسلامی

مضاربه: براساس اصل «نابرده رنج، گنج میسر نمی شود» چنانچه فرد قرض دهنده در ریسک ها و مخاطرات یک فعالیت سرمایه گذاری، با فرد قرض گیرنده شریک نباشد، حق ندارد در سود حاصل از آن فعالیت سهیم باشد. براساس عقد اسلامی «مضاربه» فرد تامین کننده سرم ایه یا «رب المال»، از طریق یک فرد یا شرکت دیگر به نام «مضارب» اقدام به سرمایه گذاری و به کارگیری پولش می کند و در سود حاصل از این سرمایه گذاری با او شریک می شود. در این فرایند، سود براساس توافق طرفین و به گونه ای منصفانه، بین طرفین تقسیم می شود، حال آن که ضرر و زیان احتمالی، فقط و فقط متوجه فرد تامین کننده سرمایه، یعنی رب المال خواهد بود. این عقد اسلامی، سرمایه، یعنی رب المال خواهد بود. این عقد اسلامی، شباهت های بسیاری زیادی با **NON –recourse project finance** دارد و عنوان دیگری که به این فعالیت داده شده است «شرکت» می باشد.

مشارکت: تامین مالی از طریق مشارکت در دارایی را «مشارکت» گویند. این عقد اسلامی نیز شباهت هایی بسیار با فعالیت های رایج در شرکت های سهامی دارد. در اینجا، شرکا و سهامداران، از طریق راه اندازی یک پروژه مشترک، سرمایه خود را به کار می گیرند تا از این طریق، کسب سود نمایند. همگی این افراد، با توجه به سهم سرمایه ای خود در این پروژه، از سود و زیان ناشی از این پروژه بهره مند می شوند. پس در اینجا نیز تقسیم سود و زیان براساس نرخ توافقی و از پیش تقسیم شده به نام «نسبت سرمایه گذاری» صورت می پذیرد.

اگرچه مضاربه و مشارکت، جزو مطلوبترین و خالص ترین شکل های فعالیت بانکداری اسلامی به حساب می آیند، اما در روزگار کنونی، استفاده چندانی از آنها نمی شود. به هر حال، نقش بانک های اسلامی در این دو فرایند، نقشی واسطه ای و کارگزاری است که براساس آن، بانک با استفاده از سرمایه های فراهم آمده از سوی سپرده گذاران و سرمایه گذاران، دست به فعالیت اقتصادی می زند و در قبال این خدمات رسانی، کارمزد دریافت می دارد و از این حیث شبیه موسسات و شرکت های مدیریت سرمایه در نظام های بانکداری سنتی عمل می نماید.

محصولات بانکی اسلامی شعبه ای: در زمینه فعالیت های بانکی شعبه ای هم بانک های اسلامی سه نوع حساب بانکی برای مشتریان خود افتتاح می کنند که عبارتند از حساب جاری، حساب پس انداز، و حساب سرمایه گذاری.

حساب جاری، عمدتاً یک حساب بانکی برای حفظ و نگهداری پول افراد در جایی امن و به صورت «ودیعه» می باشد و بانک ها از وجود این حساب ها، برای مدیریت روزمره و جوه نقد استفاده می کنند. این نوع حساب ها، شباهت بسیاری با حساب های جاری رایج در بانک های سنتی و غیر اسلامی دارند.

در این نوع حساب ها، هیچگونه سودی به سپرده گذار تعلق نمی گیرد و سپرده گذار حق دارد هر زمان که مایل باشد، نسبت به برداشت پول خود اقدام نماید و در عین حال، به بانک اجازه می دهد تا از محل سپرده او، به دیگران وام دهد یا این که استفاده دیگری از آن نماید (البته استفاده حلال). البته برای دارندگان حساب جاری، تسهیلات متنوعی چون دفترچه چک، تسهیلات پرداخت صورتحساب ها، سفته های بانکی، تسعیر ارز و چک های مسافرتی نیز در نظر گرفته شده است. بانک های اسلامی در اغلب موارد کارمزدی از دارندگان حساب جاری دریافت نمی دارند.

از ساختار «ودیعه» هم برای حساب های پس انداز استفاده می شود. در این روش، بانک ها به دارندگان حساب های پس انداز، سود پرداخت می کنند و میزان این سود هم بستگی به میزان سوددهی فعالیت انجام شده با این سرمایه دارد و لذا به نظر می رسد که این سود نباید از بسیاری از تسهیلاتی که برای دارندگان حساب های جاری در نظر گرفته می شود، محروم هستند، ولی آنها نیز به بانک، کارمزد نمی پردازند. در این حالت، اگر ضرر و زیانی به وقوع بپیوندد و بانک در استفاده از سرمایه های فراهم آمده از این حساب ها ناموفق باشد، هیچگونه ضرر و زیانی متوجه سپرده گذار نخواهد بود و بانک موظف است که این زیان را از محل ذخایر خود جبران نماید.

حساب های سرمایه گذاری هم از فرمت «مضاربه» استفاده می کنند. در این نوع حساب ها، سپرده ها، برای مدتی مشخص، ثابت، نزد بانک به ودیعه گذاشته می شوند و سپرده گذار حق ندارد تا پیش از پایان موعده مقرر، از حساب خود پول برداشت کند. نسبت تسهیم در سود، از بانکی به بانکی دیگر متفاوت است و می تواند براساس میزان سوددهی بانک یا پورتفولیوی قرض گیرنده نهایی، تعیین شود. در این نوع حساب ها، تسهیم در سود و منفعت وجود دارد، اما تسهیم در ضرر و زیان، نه. البته هرچه ریسک این سرمایه گذاری ها کمتر باشد، از سود حاصل از آنها نیز کاسته می شود.

به طور کلی، تنوع و تکثیر بسیار زیادی در مورد اصل مضاربه وجود دارد. به عنوان مثال، بانک اسلامی بنگلادش، انواع حساب های سپرده گذاری و سرمایه گذاری خود را براساس اصل تسهیم در سود و زیان، شکل داده است یا این که بانک اسلام مالزی، حساب های سرمایه گذاری خرد و کلان خود را براساس همین اصل، یعنی تسهیم در سود و زیان، ارائه می دهد. فواصل پرداخت سود نیز در بانک های اسلامی متفاوت است: در مالزی، سود حساب های بانکی، هر ماهه پرداخت می شود، حال آن که این فرآیند در مصر، به صورت فصلی و هر سه ماه یکبار انجام می گیرد و یا در بنگلادش و پاکستان، هر شش ماه یکبار.

یکی از پرخطرترین و پرنوسان ترین حساب های بانکی، برای بانک ها، همان سپرده های سرمایه گذاری کوتاه مدت است که برنامه ریزی و مدیریت آنها بسیار دشوار و پرمخاطره است. به همین دلیل، در برخی از کشورها مانند مالزی، سرمایه گذاری های بلندمدت با موعده سررسید حداقل دوساله، بر سایر سرمایه گذاری ها ترجیح داده می شود.

مراجعه: عقود اسلامی مضاربه و مشارکت، عمدتاً با قسمت بدهی های خرد بانک های اسلامی سروکار دارند و بانک ها در بخش دارایی های کلان از عقد دیگری به نام «مراجعه» استفاده می کنند که شباهت های بسیاری از «قراردادهای خرید و فروش» متداول در غرب دارد و به عقیده من، تنها عقد بانکی اسلامی کارآمد و پرطرفدار می باشد.

در یک قرارداد مراجعه، نظام اقدام به تامین مالی خرید یک دارایی به نیابت از سوی مشتری خود می کند و سپس، همان را با افزودن مبلغی به قیمت آن و بر مبنای پرداخت در آینده (پرداخت معوقه) به آن مشتری می فروشد. ماهیت «هزینه افزوده» مراجعه شباهت زیادی با ماهیت سود سرمایه ای در محصولات بانکی و مالی سنتی دارد. در این میان، بانک های اسلامی، متحمل یک ریسک تجاری خاص می شوند که بین خرید دارایی از فروشنده و فروش آن به فرد متقاضی آن دارایی، به وجود می آید. به عبارت بهتر، بانک اسلامی در این میان، نقش واسطه بین خریدار و فروشنده را ایفا می کند و در عین حال، مسوول هرگونه اهمال و سستی در این میان نیز خود بانک است. علاوه بر این، بانک باید حفظ کیفیت و کمیت کالا و دارای مورد نظر را از آغاز فرایند خرید تا پایان عملیات تحویل آن به استفاده کننده نهایی، تضمین نماید.

بیع مؤجل: این مساله که فروشنده یک کالا یا دارایی، در ازای فروش فوری و دریافت با تاخیر بهای آن، از خریدار قیمت بالاتری را طلب نماید، امری است پذیرفتنی و معقول، به طور کلی، چنین معاملاتی را بایستی در دست تجارت طبقه بندی کرد و نه وام. در بانکداری اسلامی فرایند تامین مالی سرمایه بر مبنای پرداخت با تاخیر از «بیع مؤجل» گویند.

اجاره: شکل اسلامی لیزینگ را اجاره گویند. در اینجا، بانک، ماشین آلات و سایر تجهیزات مورد نیاز برای کارهای تولیدی را خریداری می کند و سپس آن را براساس برنامه ای مشخص و پس از نصب و راه اندازی، به استفاده کننده نهایی اجاره می دهد. در این فرایند نیز به مانند لیزینگ های غربی، امکان خریداری کردن تجهیزات، در مدت اجرای قرارداد یا پس از آن وجود دارد.

بیع سلم: هنگامی که یک تولید کننده در جستجوی منبعی برای تامین مالی تولید کالاهاست، در واقع، به دنبال خدمتی مالی به نام «بیع سلم» می باشد. این فرایند شامل پرداخت قیمت کالاها تولید شده از سوی بانک، آن هم پیش از تحویل و یا حتی پیش از ساخت آنها می شود و از این جهت، شباهت بسیاری با تامین مالی پذیرش بانکی در غرب دارد. لازم به ذکر است که در این حالت، بانک، با تخفیفات قابل توجهی که به خاطر پرداخت پیش از تحویل جنس نصیبش می شود، ضرر و زیان ناشی از کاهش قدرت خرید پول را جبران می کند.

جوایز: ایران و پاکستان، از جمله کشورهایی هستند که تلاش میکنند تا کل سیستم بانکداری شان را اسلامی کنند. ایران توانست در آگوست سال ۱۹۸۳، یعنی سه سال پس از انقلاب اسلامی در این کشور، نظام بانکی اش را به نظام بانکی اسلامی تبدیل کند. در ایران، بانک ها، بدون پرداخت هرگونه بهره ای، حساب های جاری و پس انداز افتتاح می کنند و در مقابل، یکسری جوایز و هدایای نقدی و غیرنقدی را با قرعه کشی به مشتریان خود اعطا می نمایند که این ابتکار شباهت زیادی به **PREMIUM BONDS** در انگلستان دارد. البته این قرعه کشی و اعطای جوایز، به عقیده مقدمات بانکی ایران، مصداق قمار نمی باشد.

حساب های بدون کارمزد (رایگان): جمعیت مسلمانان در آفریقای جنوبی روبه فزونی است و خوشبختانه، دو بانک اسلامی معتبر در این کشور به وجود آمده اند که خدمات مالی و بانکی جالبی را به مشتریان خود عرضه می دارند. یکی از محصولات

مهم و پرتعداد عرضه شده در این بانک ها ، حساب جاری بدون کارمزد است که با تفاوت هایی چند از سوی بانک های سنتی نیز ارائه می شوند.

در این نوع حساب ها، نه کارمزدی از مشتری دریافت می شود و نه بهره ای پرداخت یا دریافت می گردد. این بانک ها توانسته اند با استفاده از سرمایه های کلان جمع آوری شده به واسطه استقبال مشتریان از آنها ، تامین مالی پروژه های عظیم را بر عهده گیرند و سود سرشاری را نصیب خود و مشتریان خود سازند.

ویژگی های کلیدی بانکداری اسلامی

با بررسی و آنالیز محصولات و خدمات مالی فوق، می توان شش ویژگی کلیدی را برای بانکداری اسلامی برشمرد که عبارتند از :

- بدون ربا بودن.
- نزدیک بودن با فرایند تجارت و کار و کسب و استفاده هوشمندانه از سرمایه ها.
- مولد و اشتغال و استثمار.
- مبرا بودن از نزول و استثمار.
- منطبق بودن با اخلاقیات(سرمایه گذاری اخلاقی)
- کاربردهای خرد و کلان(بانکداری شعبه ای و شرکتی)

اگر به این فهرست، نگاه دقیقتری بیندازید، درخواهید یافت که ردپی بسیاری از این ویژگی ها را می توان در سیستم های بانکی مالیات محور غربی نیز مشاهده نمود. این امر، مبین این نکته است که بانکداری اسلامی را می توان با تغییراتی جزئی، در کشورهای غربی نیز گسترش داد و آن را به همه جهانیان بشناساند.

سرمایه گذاری های اخلاقی: در بانکداری اسلامی ، پرداختن به فعالیت های حرام و سرمایه گذاری در بخش های نامطلوب ، به شدت نفی شده است. این ویژگی تحسین برانگیز بانکداری اسلامی، شباهت های بسیاری با سرمایه گذاری های اخلاقی غربی دارد. موسسه مشاوره ای تامین مالی اخلاق گرایانه یک موسسه انگلیسی است که سرمایه گذاری های مولد و اخلاقی متعددی را به مشتریان خود پیشنهاد می کند. براساس رهنمون های منتشر شده از سوی این موسسه در سال ۱۹۹۷، رعایت موارد زیر در فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری پیشنهاد شده است:

۱- حفاظت از محیط زیست.

۲- انجام فعالیت های خیریه و دادن صدقه.

۳- مشارکت در فعالیت های اجتماعی.

۴- دوری جستن از استثمار نیروی کار.

۵- گسترش فضای سبز.

۶- تحریم شرکت های فعال در حوزه هایی چون فساد و فحشا.

۷- رستگاری انسان ها و سعادت همگانی.

همانطور که مشاهده می کنید به جز تحریم الکل و قمار که به طور مستقیم و آشکار در این فهرست بدان ها اشاره شده است ، سایر موارد مذکور ، از جمله مواردی هستند که جزو اصول بنیادین و انکارناپذیر بانکداری اسلامی می باشند و سال هاست که بانکداران و سرمایه گذاران اسلامی بدان ها پایبندند.

بانکداری بدون ربا

بخش پولی جامعه یکی از ارکان مهم اقتصاد هر کشوری است که با حذف بهره در نظام اسلامی، دستخوش تحول اساسی خواهد شد و در این بین سیاست های پولی بعنوان هدایت کننده بخش پولی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، که بکارگیری آن موجب تسریع در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت ها، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت های خارجی و... خواهد شد

تعریف

در نظام بانکداری ربوی مردم اسناد تجاری را نزد بانک ها برده و پس از کم کردن مقداری از ارزش آن پول نقد دریافت می نمایند. این عمل را تنزیل اسناد نزد بانک ها گویند. بانک های تجاری نیز مجددا این اسناد را نزد بانک مرکزی برده با نرخ کمیتر از آنچه به مشتریان خود داده اند، از ارزش اسناد کم کرده، پول آن را دریافت می دارند، بانک های تجاری از تفاوت این دو نرخ- نرخ- که از افراد دریافت داشته اند و نرخ- که به بانک مرکزی پرداخت کرده اند- سود می برند.

اهداف انواع بانکداری:

در بانکداری ربوی هدف بانک مرکزی از اعمال سیاست های پولی عبارتند از: کنترل عرضه پول و کنترل نرخ بهره یا قیمت اوراق بهادار، اما در بانکداری اسلامی نرخ سود مورد انتظار یا نرخ بازده، (دارندگان وجوه در یک نظام اسلامی، پول خود را مستقیماً یا با واسطه در امر سرمایه گذاری و معاملات شرعی به جریان می اندازند و نسبت سودی را که آنان پیش بینی می کنند به کل مبلغی که به جریان انداخته اند، در یک دوره معین، نرخ بازده یا نرخ سود مورد انتظار می نامیم) جایگزین نرخ بهره می گردد، که این نرخ بر خلاف نرخ بهره، تضمین شده نیست.

آنچه بنام سیاست‌های پولی تاکنون ارائه گردیده است، بگونه‌ای که با مبانی اسلامی منافات نداشته باشد، بیان کند. که مباحث فقهی آن عمدتاً از نظرات حضرت امام خمینی (ره) استفاده گردیده است. لازم به تذکر است که این مقاله به عملکرد بانکداری موجود نظر ندارد و تنها به بحث علمی می‌پردازد. ابزارهای سیاست پولی به دو دسته تقسیم شده‌اند، دسته‌ای از آن‌ها در صورتی کارایی دارند که بهره تجویز گردد و کارایی دسته دیگر منوط به اعمال قدرت دولت می‌باشد.

رابطه دولت و بانک‌های دولتی عدم تحقق ربا

بانک مرکزی و بانک‌های دولتی هر یک جزئی از کل نظام حکومت هستند و هر کدام وظیفه‌ای از وظایف دولت را بر عهده دارند، و نیز درآمدهای آنان بالمال در خدمت دولت قرار می‌گیرد. و خسارات بانک‌های دولتی توسط دولت جبران می‌گردد. و در نتیجه تعهدات و التزامات آن‌ها به مردم، در حقیقت تعهدات دولت به مردم است. و بانک‌ها بعنوان شعبه‌ای از دولت طرف قرارداد واقع می‌شوند. بنابر این رد و بدل پول یا کالا بین آن‌ها معاملات شرعی و عرفی است. در نتیجه این نوع از داد و ستدها مشمول احکام معاملات ربوی نخواهد شد.

حکمت‌های حرمت ربا

علاوه بر آن، حکمت‌ها یا علل حرمت ربا که در آیات و روایات وارد شده است، در این نوع داد و ستدها جاری نیست، اهم حکمت‌ها، عبارتند از:

الف. ربا ظلم است و ربا دادن ظلم‌پذیری است.

ب. ربا گرفتن و ربا دادن موجب فساد است.

ج. ربا گرفتن و ربا دادن موجب می‌شود که وام بدون بهره از جامعه رخت بریندد.

د. ربا گرفتن و ربا دادن موجب می‌گردد که مردم تجارت و معاملات شرعی را ترک کنند.

اگر شخص و یا دولتی از یک جیب خود مقداری پول برداشته و در جیب دیگر بگذارد نه ظلم و فساد مرتکب شده است و نه موجب ترک وام‌دهی و یا ترک تجارت در بین مردم گردیده است.

(اگر موارد مذکور را علل تحریم ربا بدانیم، آنچه بیان شد خود دلیل بر عدم حرمت ربا در داد و ستدهای بین دولت و بانک مرکزی و بانک‌های دولتی خواهد بود، و اگر آن‌ها را فقط بعنوان حکمت مطرح کنیم) همان‌گونه که فقها عظام فرموده‌اند) این استدلال با ضمیمه استدلالات دیگر دلیل تام خواهد شد

حکم شرعی در نظام بانکداری

در نظام بانکداری بدون ربا که مورد توجه اسلام است بطور کلی تنزیل اسناد تجاری تحت عنوان خرید دین مجاز شناخته شده است. این اسناد اگر حاکی از طلب واقعی دارنده سند باشد، می‌تواند نزد بانک‌های تجاری دولتی یا خصوصی، تنزیل گردد و اگر حاکی از طلب واقعی نباشد، فقط به چند طریق تنزیل آن‌ها شرعا صحیح است.

پس از تنزیل این اسناد نزد بانک‌های تجاری، آن‌ها نیز شرعا می‌توانند این اسناد را نزد بانک مرکزی تنزیل کرد، شخص بده‌کار، از بده‌کاری به شخص دیگر (کسی که سند را تنزیل نموده است) بیرون آمده و به بانک بده‌کار می‌شود به عبارت دیگر بعد از تنزیل، بانک مالک دین و بدهی شخص بده‌کار خواهد شد. «... و بعد المعامله علی ذمّة المدین بصیر هو مدیونا للشخص الثالث»

بنابر این بانک می‌تواند سند این دین یا بدهی را نزد شخص دیگری مانند بانک مرکزی، تنزیل مجدد کند. علاوه بر این که بانک‌های دولتی، بدلیل این که شخصیت حقوقی واحدی با بانک مرکزی دارند در این گونه داد و ستدها با مشکل شرعی مواجه نیستند.

در مورد اعطای وام از طرف بانک مرکزی به سیستم بانکی باید بانک‌های خصوصی را از دولتی تفکیک کرد. بانک‌های دولتی به خاطر اتحاد شخصیت حقوقی آنان با بانک مرکزی می‌توانند وام با بهره از او دریافت نمایند اما بانک‌های خصوصی به علت داشتن شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقل از بانک مرکزی، نمی‌توانند چنین وام‌هایی از آن دریافت نمایند.

محدودیت‌ها

ابزارها از جهت اجرای سیاست پولی و کارایی در بانکداری اسلامی از چند جهت با محدودیت مواجه است:

الف. بانک مرکزی نمی‌تواند از طریق اعطای وام با بهره به بانک‌های خصوصی، سیاست پولی اعمال کند، (البته با اعطای وام بهره نیز این سیاست می‌تواند اعمال گردد، ولی معمولاً انگیزه‌ای برای آن وجود ندارد)

ب. بانک‌های دولتی و خصوصی در جمع‌آوری اسناد تجاری مردم محدودیت دارند. و در صورتی می‌توانند اقدام به تنزیل سند کنند که آن اسناد حاکی از طلب واقعی دارنده سند باشد و یا به یکی از طرقی که حضرت امام (س) ذکر فرموده‌اند بازگشت کند. بنابر این بسیاری از اسناد تجاری صوری قابل تنزیل نیستند و این موجب کاهش کارایی این ابزار می‌گردد.

تعیین سود در بانکداری بدون ربا

روش محاسبه نرخ

نکته: در بانکداری اسلامی بدلیل این که بهره وجود ندارد باید تغییر نرخ بهره برای تنزیل اسناد، حذف شود و بجای آن نرخ تنزیل بکار رود، (طبیعی است که این نرخ در نظام اسلامی بر اساس نرخ بازده سرمایه‌گذاری محاسبه می‌گردد) و نیز بجای نرخ بهره تنزیل مجدد، نرخ تنزیل مجدد جایگزین گردد (این نرخ معمولاً بر اساس نرخ بازده سرمایه‌گذاری محاسبه نمی‌گردد بلکه بانک مرکزی با توجه به هدف خود از بکارگیری این ابزار، نرخ را تعیین می‌کند)

مدیر گروه حقوق تجارت بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی خاطرنشان می‌کند: در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار پیش کشیده می‌شود که با ربا (بهره)، به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین مشروط بر اینکه قبلاً شرط شده باشد، تفاوت‌هایی اساسی دارد، دکتر فیضی در بیان یکی از نقاط تمایز میان این دو می‌گوید: سود با توافق طرفین تعیین و به نسبت‌های مورد توافق پرداخت می‌شود، ولی ربا از طرف وام‌دهنده (بستانکار) تعیین و به هر نرخ یا نرخ‌های ثابت از قبل تعیین شده، پرداخت می‌شود. سود قبل از تحقق حالت التزام دارد و پس از تحقق حالت التزام، ولی ربا بر ذمه وام‌گیرنده (بدهکار) بوده و پرداخت آن در هر حالتی الزامی است.

وی ادامه می‌دهد: ربا حاصل بهره‌وری از سرمایه است و صاحب سرمایه در تحقق آن مشارکت مستقیم ندارد. سود بانکداری اسلامی مستند و مجوز شرعی دارد و از لحاظ حقوقی و اقتصادی قابل توجیه است؛ ولی ربا مستند و مجوز شرعی ندارد و از لحاظ حقوقی و اقتصادی قابل توجیه نیست. توجه به اوضاع مشتریان و وضعیت‌های موجود در نحوه رفتار با مشتری از ویژگی‌های این نظام است. بنا بر این تعریف، بانک اسلامی پول‌های مشتریان خود را بدون تعهد مستقیم یا غیرمستقیم به پرداخت پاداش ثابت به سپرده‌های آنان، دریافت می‌کند؛ اما بازپرداخت اصل سپرده‌ها را به هنگام درخواست مشتری تضمین می‌کند. در بانکداری اسلامی بانک از سود حاصله خود به مشتریانی که پولشان در صندوق بانک است سود دریافت می‌کند و مستقیماً با پول‌ها کار می‌کند و پول بهره‌ای به کسی نمی‌دهد.

اوراق قرضه دولتی

اوراق قرضه دولتی اوراقی است که دولت منتشر می‌کند، و متضمن پرداختی است در آینده. این اوراق می‌توانند با بهره یا بدون بهره باشند. اوراق بهادار معتبر، همانند اوراق قرضه دولتی هستند با این تفاوت که این اوراق را موسسات پولی یا بانک‌ها یا افراد معتبر و شناخته شده انتشار می‌دهند.

انواع

الف: اوراق قرضه بلا شرط: اوراق معمولی است که خرید و فروش می‌شوند.
ب: اوراق قرضه با شرط بازخرید یا بازفروش: در این اوراق بانک مرکزی هنگام فروش یا خرید شرط می‌کند که پس از مدت معین مثلاً یک ماه خریداران یا فروشندگان این اوراق را دوباره به بانک مرکزی بفروشند و یا از او بخرند.

عرضه پول و نرخ بهره بانکداری ربوی

در نظام بانکداری ربوی بانک مرکزی با بکارگیری این ابزار، عرضه پول و نرخ بهره را در بازار کنترل می‌نماید. فرض می‌کنیم تعدادی اوراق قرضه به ارزش اسمی هر برگ / ۱۰۰۰۰ ریال به سررسید دو سال و بازدهی / ۱۰۰۰ ریال در سال، توسط خزانه‌داری دولت به فروش رفته و در دست اشخاص و بانک‌ها و شرکت‌های تجاری و تولیدی است. خریدار برگ اوراق قرضه، در پایان سال اول می‌تواند مبلغ / ۱۰۰۰ ریال بعنوان بازده دریافت کند. نرخ بهره مستتر در آن برابر با ۱۰٪ است. حال فرض کنیم، بانک مرکزی برای خرید تعداد مورد نظر از این اوراق قرضه بهای / ۱۰۰۵۰ ریال برای هر برگ را پیشنهاد کند. در این صورت با خرید آن اوراق، عرضه پول در جامعه افزایش می‌یابد، از طرف دیگر قیمت مبادلاتی اوراق قرضه بیش از بهای اسمی آن‌ها خواهد شد.

به این ترتیب قیمت اوراق قرضه در آغاز سال دوم هر برگ معدل / ۱۰۰۵۰ ریال است. اما در پایان سال که سررسید این اوراق فرا می‌رسد، دولت معادل / ۱۰۰۰ ریال بازده و / ۱۰۰۰۰ ریال بهای اسمی آن‌را به دارنده تحویل می‌دهد. در نتیجه همراه با

افزایش قیمت مبادلاتی اوراق قرضه، نرخ بهره مستتر در آن به ۹/۹۵٪ کاهش یافته است. با خرید اوراق قرضه توسط بانک مرکزی، علاوه بر افزایش قیمت آن اوراق، بعلت وجود آربیتراژ در بازارهای پولی، کلیه قیمت‌های بازاری اوراق بهادار و سهام نیز بتدریج افزایش می‌یابد. زیرا صاحبان پول بازدهی شق‌های مختلف را اعم از خرید اوراق بهادار یا اسناد سهام با ریسک‌ها و سررسیدها و بهره‌های متفاوت بررسی نموده و پول خود را بین شق‌های مختلف طوری تقسیم می‌نمایند که سود انتظاری آنان حداکثر گردد بنابر این اگر بانک مرکزی مثلاً اقدام به خرید اوراق قرضه ده ساله کند، علاوه بر بالا رفتن قیمت اوراق و اسناد ده ساله با ریسک‌های مشابه، بتدریج قیمت سایر اوراق با سررسیدها و با ریسک‌های متفاوت نیز افزایش می‌یابد.

شرایط

- استفاده از اوراق بهادار توسط بانک مرکزی، شرایطی دارد.
- الف. حجم کافی و وسیعی از اوراق دولتی یا سایر اوراق بهادار در بازار موجود باشد.
- ب. بانک مرکزی خود سهم بزرگی از بازار اوراق را در دست داشته باشد تا بتواند با ورود به بازار و خارج شدن از آن، اثر زیادی روی قیمت‌ها و نرخ‌ها و حجم معاملات پولی در بازار بگذارد.
- ج. بازار متشکلی برای خرید و فروش این اوراق وجود داشته باشد، تا خریداران و فروشندگان در دسترس باشند.

در بانکداری اسلامی بدون ربا

در نظام بانکداری بدون ربا، اوراق قرضه دولتی بدون بهره می‌تواند وجود داشته باشد. این اوراق به قیمتی کمتر یا معادل ارزش اسمی آن قابل خرید و فروش هستند که از نظر فقهی، خرید و فروش نمی‌شوند، بلکه آن‌ها حاکی از بدهی دولت هستند و آن بدهی یا دین قابل خرید و فروش است. «الکمیالات و سائر الاوراق التجاریه لا مالیه لها، و لیست من النقود، و المعاملات الواقعه بها لم تقع بنفسها بل بالنقود و غیره التي تلک الاوراق معبره عنها در یک نظام اسلامی با انگیزه‌های مذهبی که برای کمک به دولت اسلامی وجود دارد ممکن است این اوراق رواج پیدا کند و بازاری را بخود اختصاص دهد. در این صورت بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش آن‌ها عرضه پول را کنترل نماید.

حکم شرعی

اما اوراق قرضه دولتی با بهره فقط می‌تواند در بین مؤسسات پولی و مالی صد در صد دولتی خرید و فروش شود و مؤسسات غیر دولتی از خرید و فروش آن‌ها محروم هستند.

در این صورت بازار این اوراق در محدوده دولت و نهادهای وابسته به آن می‌باشد. و در نتیجه سیاست پولی با استفاده از این نوع اوراق نیز محدود خواهد شد و بانک مرکزی فقط می‌تواند با خرید و فروش این اوراق از بانک‌های دولتی و مؤسسات دولتی که وجوه خود را به بانک‌ها می‌سپارند (و در بانک مرکزی نگهداری نمی‌کنند) اقدام به کنترل عرضه پول نماید اما بدلیل این‌که این نوع از اوراق نمی‌تواند در بین اشخاص و مؤسسات و نهادهای خصوصی بازار داشته باشد، اجرای این سیاست پولی در نرخ بازدهی تاثیر چندانی ندارد. و نیز در سایر اوراق تجاری مانند اوراق سهام موجب آربیتراژ نمی‌گردد.)

نکته دیگری که در مورد اوراق قرضه باید مورد توجه قرار گیرد این است که آن‌ها نمی‌توانند مشروط به بازخرید یا بازفروش

شوند. زیرا همان‌گونه که قبلاً عرض کردیم این اوراق به اعتبار بدهی و دینی که پشتوانه آن است خرید و فروش می‌شوند و از نظر فقهی، دین و بدهی نیز کالا محسوب می‌شود و شرط بازخرید و بازفروش کالا در بیع ممنوع است. «القول فی المباحه و المواضعه و التولیه» «یجوز ان یبیع متاعاً ثم یشتریه بزیاده او نقیصه او لم یشترط علی مشتری بیعه منه و ان کان من قصدهما ذلک...» «...و انما یجوز ذلک اذا لم یشترط فی البیع الاول، فلو اشترط البائع فی بیعه علی مشتری ان یبیع منه بعد شرائه او شرط مشتری علی البائع یشتریه منه لم یصح علی الاحوط. البته این شرط در خرید و فروش‌هایی که بین موسسات و نهادهای دولتی انجام می‌گیرد بلامانع است. زیرا آن‌ها شخصیت حقوقی مستقل از یکدیگر ندارند. از آن‌چه تاکنون در مورد اوراق قرضه دولتی ذکر شد می‌توان حکم اوراق بهادار را نیز بدست آورد.

اختیارات دولت اسلامی

مقدمه در اختیارات دولت اسلامی در محدودسازی تصرفات اشخاص در اموال خودشان می‌باشد در صورتی بانکداری اسلامی می‌تواند از سه ابزاری که ذیلاً مطرح می‌شود جهت اعمال سیاست پولی استفاده نماید که بانک مرکزی قدرت قانونی و شرعی برای محدودسازی فعالیت‌های بانک‌های خصوصی داشته باشد، و گردنه کارایی آن‌ها در حد اعمال نفوذ بر بانک‌های دولتی خلاصه می‌گردد.

ادله اختیارات دولت اسلامی

به چند دلیل دولت اسلامی از طرق بانک مرکزی می‌تواند فعالیت‌های بانک‌های خصوصی را محدود سازد و آن‌ها را ملزم و یا ممنوع از صرف وجوه در بخش‌هایی از اقتصاد نماید، و یا سقف و کف درصد سود در بخش‌های مختلف را معین کند. پاره‌ای از آن ادله عبارتند از: (عمده این ادله از بیانات حضرت امام خمینی (ره) استظهار شده است.

ترجیح اهم بر مهم

هدایت بخش پولی جامعه، که خود یکی از وظایف حکومتی است، بعهده بانک مرکزی نهاده شده است. این وظیفه نیز ممکن است مانند دیگر تکالیف در شرایطی با تکالیف فردی تزامم داشته باشد و در مقام عمل هر دو نتوانند به اجرا در آیند، در این صورت باید اهم بر مهم ترجیح داده شود.

بنابر این در صورتی که اعمال سیاست پولی بر بعضی از فعالیت‌های بانک‌های خصوصی ترجیح داشته باشد. ولی فقیه بعنوان داور در تزاممات احکام اجتماعی، حکومتی و احکام فردی، توسط بانک مرکزی مانع آن‌گونه فعالیت‌ها می‌گردد و یا آنان را ملزم به اتخاذ روش‌های دیگر می‌کند.

استفاده از امکانات دولتی

دولت اسلامی می‌تواند در قبال استفاده بانک‌های خصوصی از امکانات و اموال تحت اختیار دولت، شروطی را بر عهده آن‌ها قرار دهد که یکی از این شرایط ممکن است همان حق ممانعت از برخی فعالیت‌های و جهت‌دهی به تصرفات آنان در اموال

خودشان باشد.

جایگاه حکومت اسلامی

از آنجایی که حکومت اسلامی از احکام اولیه اسلام است. و مقدم بر تمام احکام فرعیه می‌باشد ولی فقیه می‌تواند در هنگام ضرورت و تشخیص مصلحت نظام، بانک‌های خصوصی را موقتا از تصرف در اموال خودشان ممنوع و یا آن‌ها را ملزم به اتخاذ شیوه‌های دیگری نماید.

پس از ذکر این مقدمه، اکنون ابزارهای این دسته از سیاست‌های پولی را بیان می‌کنیم:

تعیین نرخ ذخیره قانونی بانکداری ربوی

در نظام بانکداری ربوی کلیه بانک‌های تاری موظفند که درصد و نسبتی از سپرده‌های دیداری یا غیر دیداری مردم نزد خود را به صورت سپرده‌های در بانک‌های مرکزی نگاه دارند (ممکن است بهره‌ای نیز به این نوع سپرده تعلق گیرد) این نسبت را نرخ ذخیره قانونی گویند و با نشان می‌دهند.

بانک مرکزی جهت کنترل عرضه پول از این ابزار استفاده می‌نماید. اگر بخواهد عرضه پول را در جامعه افزایش دهد نرخ ذخیره قانونی را کاهش می‌دهد و اگر بخواهد عرضه پول را کاهش دهد، آن را افزایش می‌دهد.

اعمال سیاست پولی با این ابزار در حقیقت از قدرت پول‌آفرینی بانک‌های تجاری ناشی شده است. بانک‌های تجاری قادرند با مکانیزم خاصی چندین برابر سپرده‌های مردم پول بانکی ایجاد کنند و بانک مرکزی می‌تواند با بکارگیری این ابزار، قدرت پول‌آفرینی را افزایش و یا کاهش دهد.

این ابزار برای اعمال سیاست‌های شدید پولی بکار می‌رود، زیرا در کنترل حجم پول موثرتر از سایر ابزارها عمل می‌کند و بکارگیری آن بلافاصله در تمام بانک‌های کشور اثر می‌گذارد.

تعیین نرخ ذخیره قانونی بانکداری اسلامی بدون ربا

در نظام بانکداری بدون ربا بکارگیری این ابزار توسط بانک مرکزی، نیاز به قدرت قانونی و اجرایی دارد تا بتواند بانک‌های تجاری دولتی یا خصوصی را ملزم به نگهداری ذخیره قانونی کند. این قدرت در بانکداری اسلامی از حکومت اسلامی نشأت می‌گیرد.

نکته دیگر این‌که، همان‌گونه که در مباحث قبل مطرح کردیم در بانکداری اسلامی نیز، بانک مرکزی می‌تواند در قبال ذخایر قانونی، بهره‌ای به بانک‌های دولتی پرداخت کند. اما بانک مرکزی نمی‌تواند به بانک‌های خصوصی، در قبال این ذخایر، بهره پرداخت کند. زیرا آنان دارای شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقل از بانک مرکزی هستند. (البته پرداخت و عدم پرداخت بهره، تاثیری در کارایی این ابزار ندارد)

(نکته دیگر این‌که در بانکداری اسلامی بخش عمده‌ای از سپرده‌های بانک‌ها را سپرده‌های سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهد. و بانک‌ها در این نوع از سپرده‌ها نقش وکیل را دارند. بنابر این مالک سپرده‌ها نمی‌شوند. بلکه آن وجوه را از طرف سپرده‌گذاران، در سرمایه‌گذاری‌ها وارد می‌کنند. در این صورت برای این‌که بانک‌های دولتی یا خصوصی بتوانند از این سپرده‌ها نیز ذخیره قانونی کسب کنند باید وکالت آنان از طرف سپرده‌گذاران در بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری، وکالت تخییری باشد یعنی

این اختیار را از طرف سپرده‌گذاران داشته باشند که بخشی از آن سپرده‌ها (حداکثر میزان ذخیره قانونی) را بتوانند در صورت لزوم بعنوان ذخیره قانونی نزدیک مرکزی بسپارند و یا در امر تسهیلات (معاملات، سرمایه‌گذاری (وارد کنند. با داشتن چنین وکالتی، علاوه بر امکان کسر ذخیره قانونی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری، تغییر در نرخ آن توسط بانک مرکزی نیز امکان پذیر خواهد شد. «... و ربمان یکون التوکیل بنحو التخییر بین امور: اما فی التصرف دون المتعلق، کما لو قال: انت وکیل فی بیع داری اوصلحها او هبتها او اجارتها»...»

تعیین نسبت نقدینگی

در استفاده از این ابزار، بانک مرکزی بر روی انواع دارایی یا بدهی سیستم بانکی خاصی محدودیت‌هایی اعمال می‌کند تا نقدینگی سیستم بانک یا آن بانک را افزایش و یا کاهش دهد. بعنوان مثال، بانک مرکزی اعلام می‌کند، بانک‌ها باید حداقل ۳۰٪ دارایی خود را بصورت پول نقد داشته باشند. یعنی سیستم بانکی فقط ۷۰٪ کل دارایی خود را می‌تواند وام و اعتبار دهد. بانک مرکزی با افزایش نسبت نقدینگی، عرضه پول را کم (سیاست انقباضی) و با کاهش آن، عرضه پول را زیاد (سیاست انبساطی) می‌کند. همان‌گونه که قبلاً بیان کردیم در نظام بانکداری اسلامی نیز بانک مرکزی شرعاً و قانوناً حائز چنین قدرتی جهت اعمال نفوذ بر بانک‌های دولتی و خصوصی می‌باشد.

کنترل کیفی اعتبارات

منظور از کنترل کیفی اعتبارات این است که سیستم بانکی طبق سیاست‌های دولت، میزان اعتبارات بانکی غیر لازم را در جامعه کاهش داده یا به کلی آن را ممنوع کند. و به عکس، اعتبارات بانکی را به بخش‌هایی از اقتصاد سوق دهد که بوسیله دولت برای تصحیح و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، ضروری تشخیص داده می‌شود. ابزارهایی که تاکنون بیان کردیم، از نوع کمی بودند، یعنی بانک مرکزی توسط آن‌ها دخل و تصرفی در نقش بازار بعنوان تخصیص دهنده منابع نمی‌کند. بلکه برای بالا و پایین بردن و عرضه پول از طریق مکانیزم بازار عمل می‌نماید، و بعنوان تقاضا کننده یا عرضه کننده جدید وارد بازار می‌شود. اما در سیاست کیفی، بانک مرکزی عمل تخصیص منابع اعتباری خود را مستقیماً انجام می‌دهد. در این ابزار نرخ بهره و قیمت اوراق و مکانیزم بازار نقش چندانی در تخصیص منابع اعتباری ندارد.

طرق کیفی اعتبارات

کنترل کیفی اعتبارات به دو طریق اعمال می‌شود.

کنترل نوع اعتبارات بانکی

در این قسم کنترل، از کل اعتبارات بانکی سهم اعتبارات اعطایی به هر بخش، توسط بانک مرکزی مشخص می‌شود. مثلاً معین می‌گردد که ۴۰٪ اعتبارات بانکی باید به بخش کشاورزی و ۱۰٪ به بخش خدمات و... تخصیص داده شود. در قانون عملیات بانکی بدون ربا^{۱۳} نیز استفاده از ابزار کیفی، در چند بند بیان شده است، ابزارهایی که مربوط به این روش

هستند عبارتند از:

الف. تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب، و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

ب: تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه‌گذاری، اجاره بشرط تملیک، معاملات اقساطی، نسبه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض الحسنه برای بانک‌های و یا هر یک از آن‌ها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف، و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری.

کنترل هزینه اعتبارات بانکی

در این قسم کنترل تخصیص اعتبارات از طریق تعیین نرخ بهره انجام می‌گیرد. مثلاً بانک مرکزی و بانک‌ها را موظف می‌کند که اعتبارات را به کشاورزان با بهره ۹٪ و به بخش خدمات با بهره ۱۵٪ و... اعطاء کند. ابزارهای ذکر شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا که مربوط به این روش می‌شوند عبارتند از

الف. تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانک‌ها در عملیات مشارکت و مضاربه. این نسبت‌ها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

ب. تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانک‌ها در معاملات اقساطی و اجاره بشرط تملیک و متناسب با قیمت تمام شده مورد معامله. این نسبت‌ها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد.

نقاط ضعف و قوت

یکی از نقاط ضعف کنترل کیفی اعتبارات، عدم انعطاف‌پذیری آن است. مثلاً هنگامی که بانک‌ها با افزایش منابع اعتباری مواجه می‌شوند حدود تعیین شده از قبل مانع از استفاده موثر آن‌ها از منابع جمع‌آوری شده می‌گردد.

بعلاوه، اجرای حدود تعیین شده و اولویت دادن به بخش‌های تولیدی در تخصیص اعتبارات، نیاز به نظارت دقیق بر مصرف اعتبارات اعطایی دارد. همچنین فشارهای اجتماعی، سیاسی در جلب اعتبارات بیشتر به بخش‌های خاصی، تخصیص مطلوب اعتبارات را دچار مشکل می‌سازد.

اما از طرف دیگر دارای این مزیت است که چنان‌چه هدف از اعمال سیاست پولی تقویت بخش اقتصادی خاصی باشد، با ابزار کنترل کیفی می‌توان بسهولة در آن بخش اثر گذارد در صورتی که سایر ابزارهای دیگر عمدتاً برای دستیابی به اهداف کلی اقتصادی اعمال می‌شوند.

در بانکداری اسلامی همان‌گونه که گفته شد بانک مرکزی نفوذ بر بانک‌های دولتی و خصوصی را دارد و می‌تواند میزان تخصیص اعتبارات به هر بخش را مشخص کند.

بانکداری بدون ربا "موانع و چالش‌ها"

بیش از ۲۰ سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در بانک های ایران گذشته است. این شیوه نوین بانکداری، در این مدت، همواره با مسائل و مشکلات بسیاری روبرو بوده است که تا حدود زیادی از عهده رفع آنها برآمده و ضمن هموار نمودن مسیر خود، توانسته است در سطح نسبتاً مطلوبی از عملکرد و کارایی تا آن جا پیش رود که به عنوان یک نظام جدید بانکی در سطح بین المللی مطرح گردد. نظام بانکداری بدون ربا در ایران حداقل از جهت توجه به مساله حرمت ربا در اسلام و تلاش برای اجرایی نمودن حذف آن از مناسبات و معاملات بانکی، از اهمیتی وافر و جایگاهی بسیار رفیع برای علما، اندیشمندان و توده مردم متدین و معتقد در داخل کشور و سایر ملل مسلمان برخوردار گشته است. این شان والا و موقعیت خطیر سبب می گردد که هر از گاهی به آسیب شناسی ماهوی و اجرایی شیوه بانکداری بدون ربا، از جهات مختلف و با دقت نظر کافی عنایت نماییم. به ویژه در شرایط کنونی که پس از گذار از شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و نظامی اوایل انقلاب اسلامی و تثبیت ارکان نظام و مستحکم شدن پایه های اقتصادی کشور، تعامل روزافزون با بازارهای اقتصادی دنیا ما را ناگزیر به طراحی و اعمال مجموعه ای از تمهیدات و اقدامات اصلاحی در ساختار و کارکرد اجزای مختلف اقتصاد کشور نموده است. به نحوه که از یک سو از توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای تحول یافته مردم در داخل کشور برخوردار شده و از سوی دیگر امکان حضور در عرصه ها و بازارهای پولی و مالی بین المللی، با توجه به الزامات و مقررات موجود را داشته باشد. امید است در سایه برگزاری این گونه همایش ها و توجه بیش از پیش ارکان نظام و اولیای امور، با ایجاد و تنظیم جایگاه، وظایف و کارکردهای صحیح برای نظام بانکی کشور در برنامه چهارم توسعه، بتوانیم بسیاری از نارسایی ها و شبهات موجود در خصوص عملکرد بانک ها را، از جنبه های شرعی و اقتصادی، مرتفع نماییم. برای بررسی شیوه بانکداری بدون ربا و تبیین روابط موجود بین بانک و سپرده گذاران و مشتریان در آن فعالیت می کند، توجه خاص داشته باشیم. طبیعتاً این شیوه عملیات بانکی در جامعه ای مطرح و اجرا خواهد شد که در آن، با افراد مسلمانی روبرو هستیم که به خدا و رسول (ص) و قیامت و معاد اعتقاد داشته و در فضایی آکنده از تعلیمات دین مبین اسلام زندگی می کنند. در چنین جامعه ای امت اسلامی در کلیه امور شریک و برادر دینی یکدیگر هستند و براساس اصل تکافل اجتماعی مسوولیت دیگران را نیز به عهده دارند. یکی از محرمات صریح دین اسلام رباخواری است و به دلیل آن که ربا خواری، بعد از شرک، بزرگترین گناه محسوب می شود و حتی حيله های شرعی مربوط به ربا تحریم شده است، می بایستی حساسیت تک تک افراد مسلمان را نسبت به رباخواری در حد بالایی نگاه داشت و هرگز دست به عملی زده نشود که حتی شبهه ربا در آن می رود و بدین خاطر است که توجه به کارکرد صحیح بانک های اسلامی از اهمیت زائد الوصفی برخوردار می گردد. همانگونه که می دانیم در بانکداری ربوی، هر فرد سپرده گذار بدون توجه به این سپرده او صرف چه کاری می شود فقط به فکر درآمد ربوی حاصل از سپرده گذاری خویش است. در صورتی که در بانکداری اسلامی تک تک سپرده گذاران می توانند و باید در فعالیت های جامعه خویش شریک باشند.

رویکرد بانکداری بدون ربا

واقعیت این است که مهمترین رویکرد یا رویکرد غالب و رسمی در نظام جمهوری اسلامی ایران رویکرد "بانکداری بدون ربا" بوده است بر این اساس می توان گفت که تاکنون جهت گیری قوانین بانکداری در ایران و رویه ها و مقررات تعیین شده براساس موازین بانکداری اسلامی نبوده است. ایده "بانکداری بدون ربا" در واقع به معنی این است که واقعیت بانکداری

متعارف، امری پذیرفته و قابل قبول و دارای آثار مطلوبی در جامعه است اما از آنجائی که این نظام براساس نظام حقوقی مبتنی بر ربا پایه گذاری گردیده ، لازم است ربا را از روابط حقوقی حاکم بر عملیات بانکداری حذف کنیم.

این رویکرد اول بار توسط مرحوم شهید آیت ... محمد باقر صدر در کتاب "البنک اللاربوی فی الاسلام" مطرح گردیده و اول بار در نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا به اجراء در آمده است . بسیاری از صاحب نظران ذی نفوذ کشور معتقدند بانکداران باید به آنچه صحیح می دانند عمل کنند. چنانچه در برخی موارد شبهه ربا وجود داشته باشد از سوی علمای اسلام تذکر لازم داده خواهد شد

رویکرد بانکداری اسلامی

در مقابل، چنانچه در چارچوب نظام اسلامی و بر پایه موازین اقتصاد اسلامی بخواهیم نظام بانکداری ایجاد کنیم، مسأله به این راحتی نیست و لذا لازم است همه اجزا و ارکان و ساز و کارهای آن و همه روابط و تصمیم گیری های مرتبط، براساس اصول و موازین اسلام طراحی و عملیاتی شود. به طور واضح ، بر اساس این رویکرد، مشکلات نظام بانکداری عرفی در مسئله ربا منحصر نیست بلکه ما مسلمانان وظیفه داریم کلیه عملیات مالی و بانکی خود را براساس حذف ربا، حذف غرر، حذف غبن و حذف ظلم استوار کنیم. لذا رویکرد مهم در بانکداری اسلامی بر این ایده استوار است که تنظیم روابط متقابل و تعیین میزان برخورداری هریک از سپرده گذاران و سهامداران بر مبنای حق و عدل تنظیم می گردد.

واقعیت نظام بانکداری عرفی

چنانچه به نحو کارشناسی و دقیق به بررسی ماهیت نظام بانکداری عرفی بپردازیم ، می توان این فرضیه را مطرح ساخت و اثبات نمود که اساس نظام بانکداری عرفی بر پایه حاکمیت نرخ بهره قراردادی استوار است و قیمت پول یا نرخ بهره بر اساس عرضه و تقاضای آن در بازار پول و محاسبه هزینه فرصت آن به طور برونزا و یا درونزا تعیین می گردد .

تجربه اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نیز حاکی از آن است که عملیات بانکداری بدون ربا چندان به تغییر ساختار و ماهیت تصمیم گیری منجر نشده است. امروزه چنانچه در محافل و جلسات بین بانکی حضور یابیم ، بسیاری از کارشناسان آگاه و خبره این نظام بر صورتی بودن عملیات تأکید دارند . با اندک بررسی و تحقیق در ماهیت قراردادهای مشارکتی و مبادله ای انجام شده در بانکهای کشور می توان به حاکمیت نرخ های برونزای تسهیلات و سپرده ها اذعان نمود.

حذف ربا تنها یک شرط بانکداری اسلامی

عضو شورای فقهی بانک مرکزی با تأکید بر اینکه بانکداری ایران بدون ربا است و تا رسیدن به بانکداری اسلامی فاصله داریم، حذف ربا را تنها یکی از شروط دانست گفت: اگر بانکها به هراندازه مؤلفه‌های ششگانه را رعایت کنند به بانکداری اسلامی نزدیک می‌شوند.

حجت الاسلام دکتر سیدعباس موسویان عضو شورای فقهی بانک مرکزی در مورد بانکداری اسلامی گفت: بانکداری اسلامی نوع خاصی از روش بانکداری است که معاملات آن بر اساس آموزه های اسلامی است.

وی به ۶ مؤلفه بانکداری اسلامی اشاره کرد و افزود: در بانکداری اسلامی اولاً معاملات بدون ربا است و ثانیاً بر اساس قراردادهای مورد قبول اسلام است و ضمن اینکه اصول و معیارهای عدالت بر آن حاکم است و نرخهای سود بانکی به صورت عادلانه طراحی می شود چه برای سپرده گذاران، چه برای گیرندگان تسهیلات و چه برای بانکها، سود بانکی به صورت عادلانه است.

مدیر پژوهشکده نظامهای اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی شفافیت در قراردادها را یکی دیگر از مؤلفه های بانکداری اسلامی خواند و گفت: ممنوعیت اکل مال به باطل در بانکداری اسلامی مطرح است یعنی اینکه قراردادهای بانکی بی پایه و اساس باشد ممنوع است علاوه بر آن رعایت موازین اخلاق اسلامی یکی دیگر از ویژگیهای بانکداری اسلامی است.

وی در مورد تبلیغات برخی از بانکها یا مؤسسات مالی و اعتباری و ادعای آنها مبنی بر بانکداری اسلامی گفت: اگر هر بانکی به هر اندازه، این مؤلفه های شش گانه را رعایت کند به بانکداری اسلامی نزدیک و در غیر این صورت از آن دور می شود و اگر در تبلیغات خود مدعی بانکداری اسلامی هم بشوند تأثیرگذار در کیفیت کار آنها نیست چون ممکن است بانکی تبلیغات زیادی در این زمینه داشته باشد اما در واقع اسلامی عمل نکند اما بعکس بانکی با کمترین تبلیغات عملکرد اسلامی داشته باشد.

موسویان با اشاره به تبلیغات تنها دو بانک در رعایت بانکداری اسلامی گفت: یکی از این بانکها از آنجا که بر اساس قرض الحسنه تأسیس شده است و کارهای آن بر اساس قرض الحسنه است می توان معاملات آن را اسلامی دانست و مورد دیگر این است که یک شیوه جدیدی به عنوان پی ال اس یا مشارکت در سود و زیان طراحی شده که برخی مشتریان را به سمت سود و زیان پروژه ها می برد که این طرح اگر صحیح اجرا شود هم می تواند به عنوان یکی از روشهای بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

حجت الاسلام دکتر محمدنقی نظرپور استاد دانشگاه مفید قم، نیز در این باره به خبرنگار مهر گفت: عملیات بانکداری در ایران بدون ربا است و هنوز نمی توان ادعا کرد که بانکداری ما اسلامی است.

وی در مورد برخی تبلیغات تلویزیونی بانکها که مدعی بانکداری اسلامی هستند گفت: برخی تصور می کنند بانکداری بدون ربا همان بانکداری اسلامی است درحالیکه اینطور نیست و بانکداری اسلامی فراتر و یک پله بالاتر از بانکداری بدون ربا است.

عضو انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم افزود: باید دید بانکها علاوه بر حذف ربا چقدر در راستای اهداف نظام اقتصاد اسلامی حرکت می کنند که توزیع عادلانه سود یکی از مؤلفه های آن به شمار می رود آیا با وجود ۲۰ یا ۱۶ درصد تورمی که اعلام می شود سود بیشتر یا کمتر از تورم است یا خیر؟ اینها نکاتی است که باید در بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرند.

وی با اشاره به اینکه گاهی همان بانکداری بدون ربا نیز در برخی بانکها رعایت نمی شود تصریح کرد: برخی از این معاملات بانکی صوری است یعنی فاکتورهای صوری معاملات را به حرام و ربا نزدیک می کند که باید نسبت به آن حساسیت نشان داد و برای دوری از این مسئله راهکارهای مناسب تعیین شود.

ملی کردن بانک ها و حذف ربا از عملیات بانکی ، دو گزینه گریزناپذیر ناشی از انقلاب اسلامی بودند که به صورت دو حرف ناتمام باقی ماندند.

در سال ۱۹۷۵ فقط یک بانک غیررئوی در تمام دنیا وجود داشت و امروز بیش از ۳۰۰ بانک و موسسه مالی اسلامی در ۷۵ کشور جهان وجود دارند و فعالیت می کنند و این روند نشاندهنده وجود ظرفیت های بالقوه برای رشد و فراگیری پرشتاب صنعت بانکداری بدون رباست. فراموش نکنیم که ما هم از جمله اولین کشورهایی بودیم که در این راه گام گذاشته ایم و اگر ما هم به صورتی فعال و مسوولانه و عالمانه درصدد اصلاح روش ها و ارتقای سطح خدمات و به کارگیری ابزارهای نوین بودیم، می توانستیم جایگاه مناسبتری داشته باشیم و در بازارهای آینده سهم شایسته خود را به دست آوریم.

متأسفانه همزمانی تصادفی ملی شدن بانک ها با حذف ربا از سیستم بانکی ایران، این توهم را ایجاد کرده است که بانکداری اسلامی باید لزوماً ملی یا دولتی باشد، در حالی که هم اکنون نمونه های جالبی از بانک های اسلامی غیردولتی وجود دارند که این پندار را باطل می کنند

ما هم پس از ۲۳ سال آزمون، باید از تعصب و مطلق اندیشی دست برداریم و با آینده نگری و تحول و نوآوری دست به کار شویم و با الگوبرداری و همگون سازی و اصلاح ضوابط و رویه ها و استاندارد کردن فعالیت ها و تقویت نظارت و ارتقای سطح مدیریت و رقابتی کردن بازار و ... به تدریج به سوی کارایی و اعتبار و سودآوری حرکت کنیم و با نهضت جهانی بانکداری و مالیه اسلامی همگام شویم

۲۳ سال بانکداری دولتی و بدون ربا

علم همچون چراغی است که در تعامل با عقل، برافروخته می شود و در دست پیشگامان جامعه قرار می گیرد تا مسیر پیش پای جامعه را روشن کنند. و وای به حال جامعه ای که از این موهبت محروم است و در تاریکی گام برمی دارد!

ملی کردن بانک ها در سال ۱۳۵۸ و حذف ربا از عملیات بانکی در سال ۱۳۶۲ دو گزینه گریزناپذیر ناشی از انقلاب اسلامی بودند، اما ارزیابی کلی عملکرد ۲۳ سال گذشته نشان می دهد که این دو رویکرد، به صورت دو حرف ناتمام باقی ماندند و با وجود کارکردهای کوتاه مدت اولیه، هرگز در میان مدت و بلندمدت به اهداف مورد نظر خویش دست نیافتند.

۱) ملی شدن بانک ها یک کار به تمام معنا انقلابی بود. حتی امروز هم که به این پدیده می نگریم، گرما و شور انقلاب را هم در صورت و هم در معنای آن می بینیم. هنوز چهارماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که شورای انقلاب طی یک مصوبه خیلی فشرده، تصویب کرد که برای حفظ حقوق و سرمایه های ملی و به کارانداختن چرخ های تولیدی کشور و تضمین سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانک ها... از تاریخ تصویب این قانون، کلیه بانک ها ملی می گردد.

علی اردلان ، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران در آن سال ها معتقد بود که این اقدام مبلغ دو میلیارد و چهارصد میلیون دلار بر تعهدات ارزی دولت ایران افزوده است و اسدالله امیراصلانی هم که تا همین چند سال پیش در مقام مدیر عامل بانک ملی ایران و معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی خدمت می کرد، معتقد است که در آن زمان، فرصت کافی برای بررسی و تحلیل کارشناسانه امور وجود نداشت و هدف مهم در ملی شدن بانک ها، جلوگیری از ادعای خسارت توسط سهامداران خارجی بانک های مختلط بود.

به هر حال، هرچه بود و هرچه شد، نمی توان این واقعیت را نادیده گرفت که ملی شدن بانک ها یک نقطه عطف فراموش ناشدنی در تاریخ بانکداری ملی است و با این تصمیم انقلابی سنجیده یا نسنجیده، نظام بانکی کشور وارد مرحله تازه ای شد. اما این نکته را فراموش کردیم که مسایل اجتماعی، از جمله مسایل اقتصادی و بانکی، زنده هستند و همگام با تحولات روزمره، دچار تحول می شوند و نیازمند بازنگری و احیای مجدد می باشند و نباید به صورت صلب و تغییرناپذیر بمانند، زیرا دیگر جوابگوی نیازهای روز جامعه نخواهند بود.

و این اتفاقی است که در مورد جریان ملی شدن بانک ها روی داد و بانک های یکپارچه دولتی شده را از پویایی و تحرک انداخت.

۲) حذف ربا از سیستم بانکی هم لازمه اسلامی شدن عملیات بانکی بود، اما برای تحقق کامل بانکداری اسلامی کفایت نمی کرد، در واقع، اسلامی کردن اقتصاد و بانکداری یک کشور، یک فرایند سیستمی و مجموعه ای از رویکردهای فردی و جمعی است که باید به گونه ای هماهنگ و همخوان به پیش برود تا به مرزهای اسلامی نزدیک شود. در این رابطه، هم تغییر و تحول در نگرش و بافت فکری افراد ضروری است، و هم اصلاح قوانین و مقررات و نظامات اجتماعی و عرفی، و هم انطباق آن ها با باورها و موازین اخلاقی و هنجارهای اقتصادی- اجتماعی.

علاوه بر این ، بانکداری اسلامی فقط به حذف ربا منحصر نمی شود، بلکه این نظام بر توزیع عادلانه تر درآمد و حمایت از محرومان هم تاکید دارد، در حالی که نگاهی به عملکرد گذشته نشان می دهد که آن فرایند سیستمی به وقوع نپیوسته است و بعد اخلاقی و حمایتگرانه بانکداری اسلامی هم به فراموشی سپرده شده و در نتیجه، انتظارات مردم برآورده نشده است، و از همه بدتر، قبیح ترین صحنه ای که در این سال ها پدیدار شده، همانا تظاهر به اسلامی بودن است. واقعه ای که حلال و حرام را در هم آمیخته و موجب واپس زدگی معتقدان و متدینان شده است.

به عبارت دیگر، این موجود ۲۳ ساله ما نه تنها به مرحله بلوغ نرسیده، بلکه شخصیتش هم شکل نگرفته و نتوانسته است هویت اسلامی خویش را به اثبات برساند، در حالی که هم نسل های این کودک، حتی متولدین سال های بعد به درجات افتخارآمیزی از کمال دست یافته اند و دایه دار عرصه مالیه اسلامی، هم در کشورهای مسلمان و هم در کشورهای غیرمسلمان شده اند و مرتب خبر می رسد که سهم بازارشان رو به افزایش است و با عرضه خدمات نوین و به کارگیری ابزارهای روزآمد و کارآمد، درصدد تسخیر قلمروهای تازه تری می باشند. اما موجود ۲۳ ساله ما که عمدتاً به علت نامهربانی های دولت عقیم و نارس مانده است، هم درگیر بحران هویت است و هم با مشکلاتی همچون ساختار مالی نامناسب از لحاظ کفایت سرمایه و وضعیت نامطلوب مطالبات معوق و ساختار هزینه ای مردود و مسلط سیاست های مالی و ضعف در ارابه خدمات نوین و فقدان انگیزه برای تجهیز و تخصیص بهینه منابع و نارسایی نظام نظارتی و احتمال وقوع ریسک های گوناگون و تاثیر مخرب عملیات مالی غیرشفاف و دست به گریبان است. و برای این که کاملاً از پای نیفتد، شایسته توجه است و بیش از آن که به خشم و خروش و تهدید نیاز داشته باشد، محتاج محبت و دستگیری است.

منابع :

۱. khabaronline.ir
۲. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، الطبعه السادسه، پیام، طهران، مکتبه اعتماد
الکاظمی، ۱۳۶۶ هـ.
۳. صحیفه نور.
۴. قانون عملیات بانکی بدون ربا.